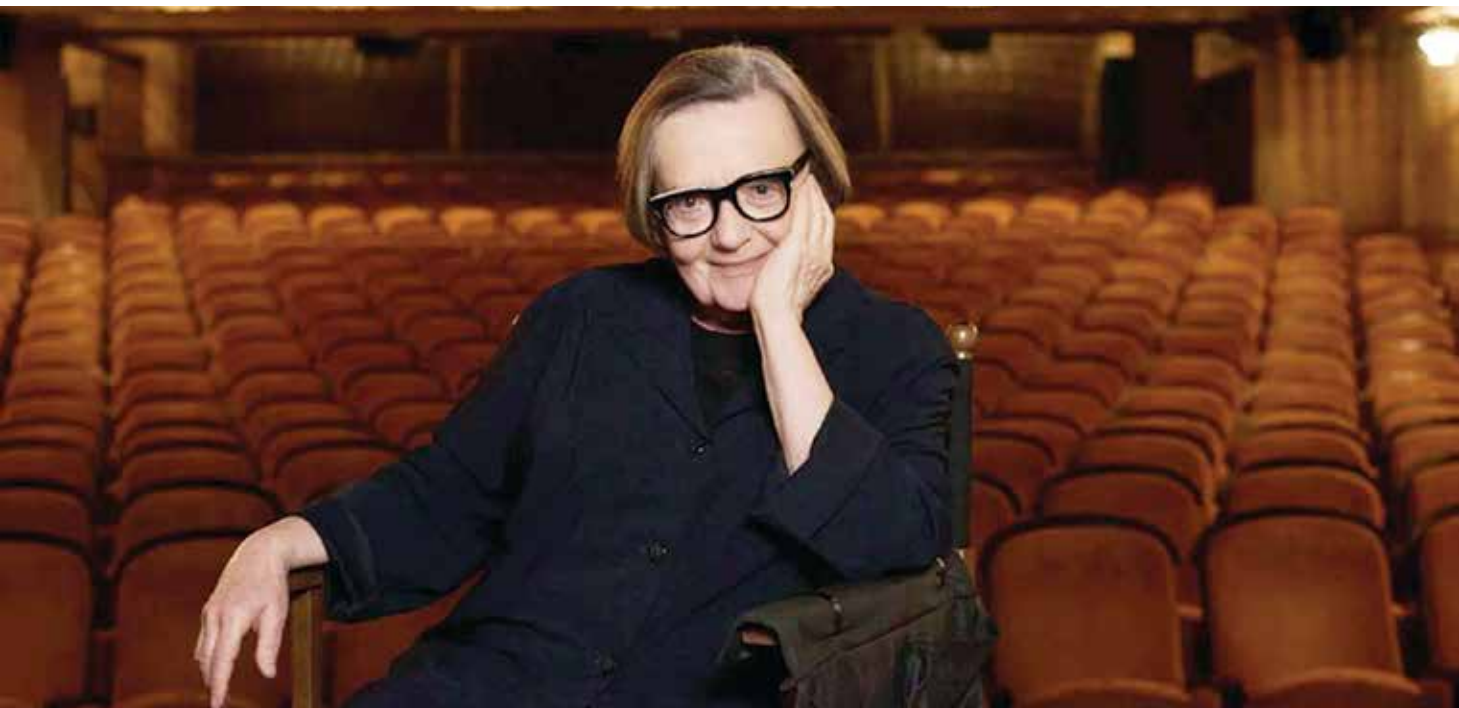


سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی به شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس، این پهنه‌آبی را فراتر از یک جغرافیا و نمادی از تداوم هویت و شکوه تمدنی ایران توصیف کرد. وی با تأکید بر این‌که خلیج فارس همواره آبراه صلح بوده است، خاطرنشان کرد که تاریخ گواهی می‌دهد هرگونه تعرض به این حریم بااراده خلل‌ناپذیر ایرانیان

خلیج فارس آینه استواری ایرانیان



گفت‌وگو با آگنیشکا هولاند، فیلمساز لهستانی

جعل واقعیت در آمریکا

آگنیشکا هولاند، فیلمساز کلاسیک و غیرمترعار لهستان که با دارم‌های پرتنش سیاسی و اجتماعی خود شهرت جهانی دارد، با اشاره به وقایع تلخ و مرگبار مینیاپولیس آمریکا از فساد سیاسی در بین سیاستمداران جهان غرب و فساد رسانه‌های گروهی صحبت می‌کند. به باور



کیکاوس زیاری

گروه فرهنگ و هنر

این هنرمند اروپای شرقی، حقیقت هنوز هم در دنیای معاصر از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است و باین‌حال، می‌تواند به‌راحتی در معرض خطر قرار گیرد. هولاند که تاکنون برای فیلم‌هایش جوایز متعدد و معتبر جشنواره‌های بین‌المللی را گرفته، می‌گوید: «وارونه‌کردن وقایع و حقایق در دوران حکومت استالین در اتحاد شوروی سابق هم رایج بود و او دستگاه پروپاگانداي خودش را داشت. مشابه آن پروپاگانداي حزب نازی و گوبلز بود. آدم‌هایی مثل این دو مثال بسیار خوبی برای بیان این واقعیت هستند که چگونه می‌توان به‌راحتی معنی و مفهوم کلمات وقایع را تغییر داد و ثابت کرد آنها چقدر شکننده و تغییرپذیر هستند. در چنین حالتی، دروغ تبدیل به واقعیت می‌شود و واقعیت کاملاً رنگ دروغ به خود می‌گیرد. برای همین است که بعضی وقت‌ها به نظر می‌رسد کلمات و وقایع اهمیت کمتر و کمتری پیدا می‌کنند و آدم احساس می‌کند هیچ چیز در جای درست خودش قرار ندارد. نمونه زنده این مسأله را در پروپاگانداي آمریکایی در روزهای اخیر می‌توانیم ببینیم. با توجه به پروپاگانداي آمریکایی و روایت‌های آن از قربانیان تیراندازی در مینیاپولیس، می‌توان بازتولید همان جمل واقعیت را مشاهده کرد که در دوران استالین و گوبلز جاری بود.»

شلیک به مینیاپولیس

اشاره فیلمساز به‌حادثه تلخ‌چندی پیش در ایالت مینیاپولیس آمریکاست که طی آن مأموران اداره مهاجرت آمریکا به پنهان دستگیری و اخراج مهاجران غیرقانونی در خاک آمریکا، به یک پرستار غیرمسلمح ۳۷ ساله شلیک کرده و او را به قتل رساندند. خشونت افراطی مأموران اداره مهاجرت که به گفته جامعه مدنی فراقانونی و خودسرانه عمل می‌کنند، خشم و اعتراض عمومی مردم را به همراه داشت. اعتراضات و تظاهرات به خیابان‌ها کشیده شد و مقامات رسمی در این رابطه تهدید به برقراری حکومت نظامی کردند. معترضان شلیک به افراد

و فداکاری دریادلان میهن روبه‌رو شده‌است. صالحی با اشاره به حوادث ناگوار اخیر، از جمله فاجعه مدرسه میناب و شهادت سرنشینان ناودنا، بر ضرورت پیوند میان هنر و ایستادگی ملی تأکید کرد. وی تصریح کرد که بزرگ‌ترین پیروزی‌ها بدون روایتگری هنری در حصار زمان فراموش خواهند شد؛ لذا اصحاب فرهنگ و رسانه رسالتی سنگین برای ثبت حقیقت این رشادت‌ها

برعهده دارند. وزیر فرهنگ ضمن گرامی‌داشت یاد رهبر فقید و تمامی شهدای راه استقلال، این دوره از جشنواره را به خانواده‌های داغدار شهدای دریایی و دانش‌آموزان مظلوم میناب تقدیم کرد. او خاطرنشان کرد که پاسداری از خلیج فارس، امروز به معنای صیانت از غرور ملی و خون‌های پاکي بوده که برای حفظ تمامیت ارضی کشور نثار شده‌است.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سیدعباس صالحی

پدرم که عضو حزب کمونیست بود در سیاه‌چاله‌ای از افسردگی و ناامیدی فرورفت. برایش واقعیت‌های جنایات استالین قابل قبول و درک نبود. خیلی زود به‌صورت یکی از مخالفان حزب درآمد. سال ۱۹۶۱ دستگیر شد و در جریان تحقیقات و بازجویی‌ها خودش را کشت. انگار که تاریخ تکرار شده باشد، این روزها مشابه چنین چیزی را در آمریکا شاهد هستیم.»

بهای سنگین یک تصمیم

فعالیت بین‌المللی سینمایی هولاند از زمانی شروع شد که او برای تبلیغ فیلمش «بازنیگران ایالتی» لهستان را ترک کرد. سال ۱۹۸۱ دولت مرکزی حکومت نظامی اعمال کرده بود و هولاند در سوئد به‌سر می‌برد. این شرایط دشوار دستمایه فیلم «زمستان کلاغ» کاسیا آدامیک، دختر خود فیلمساز بوده‌است. در همین ایام بود که هولاند تغییر عقیده داده و تصمیم می‌گیرد دیگر به لهستان برنگردد: «نگران این بودم که چنین اقدامی برایم بهای سنگینی به همراه داشته باشد. یکی از روزنامه‌نگاران سوئدی که دوستم بود، یک روز به من گفت بیچاره لهستان ما! همانجا بود که به خودم نهیب زدم و گفتم من یک لهستانی هستم و باید برای سعادت و آزادی کشورم مبارزه کنم. اکنون که صحبت می‌کنم گذشته همراه با من است و آن‌را با تمام موفقیت‌ها و شکست‌هایش دوست دارم.»

مقایله با سیاستمداران پوپولیست غربی

شرایط امروزی تفاوت‌های زیادی با دهه ۸۰ میلادی و زمانی دارد که هولاند و بسیاری دیگر از فیلمسازان تلاش داشتند با فیلم‌هایی پیام‌دار و متعدد، تماشاگران را به داخل سالن‌های نمایش بکشانند. او هم مثل بسیاری از هم‌کارانش قبول دارد که به‌واسطه حضور رسانه‌های جدید، سینما دیگر آن قدرت قبلی خود را ندارد و فیلم‌های سینمایی نمی‌توانند مثل گذشته تأثیر خود را داشته باشند. بااین‌حال، هولاند قصد تسلیم شدن ندارد و می‌گوید پرچم مبارزه و تلاش را بر زمین نمی‌گذارد: «این روزها که دنیا پیچیده تر و خطرناک‌تر از گذشته شده و سیاستمداران پوپولیست و راست‌گرا بر مسند دولت‌های کشورهای غربی می‌نشینند، ما نمی‌توانیم عقب‌نشینی کرده و زمین را به آنها واگذار کنیم. صدای ما باید علیه دروغ‌پرکنی‌های دولت‌هایی باشد که با ظاهر فریبی به‌دنبال اعمال سیاست‌های ضد‌مردمی خود هستند. شاید اکنون وقت آن رسیده باشد که نسل تازه‌ای از فیلمسازان متعهد و خوش فکر پدیدار شود که ادامه‌دهنده راه باشند. این نسل تازه هم آدم‌ها و محیط خودش را بهتر می‌شناسد و هم با شیوه‌های مدرن ارتباط‌گیری آشناست و می‌تواند برای بیان تفکرات و دیدگاه‌های خود از آنها استفاده مطلوب بکند. این نسل باید مردم را با سینما و فیلم‌ها آشتی داده و آنها را دوباره روانه سالن‌های نمایش کند. این کار از طریق تعریف داستان‌هایی جذاب و سرگرم‌کننده انجام می‌شود که در عین‌حال حرف‌هایی هم برای گفتن دارند. نباید فراموش کنیم که فیلم‌های سینمایی مکانی برای بیان پیام‌های اجتماعی مهم و ارزشمند هستند و این وظیفه تصاویر است که آنها را به شکل قابل قبولی به مخاطب ارائه کند.»

ما درجا نخواهیم زد

هولاند ابراز امیدواری می‌کند که سینما همچنان بتواند به حیات خود ادامه دهد و اضافه می‌کند: «شاید ما به نقطه‌ای از سکون برسیم و با دیواری مواجه شویم که مانع ادامه فعالیت‌های مان است. شاید یک پرنگاه در مقابل ما باشد. اما ما درجا نخواهیم زد و ادامه می‌دهیم. اطمینان دارم اگر مقاومت کنیم و ادامه حیات دهیم، با یک تولد تازه روبه‌رو خواهیم شد که دنیایی تازه با ارزش‌های انسانی تازه‌ای خلق خواهد کرد. تاریخ نمونه و مثال خوبی در این رابطه است. بعد از هر فاجعه‌ای در تاریخ انسانی، آدم‌ها به حیات خود ادامه داده و چیزی خوب از دل تلاش آنها سربرآورده‌است. اگر ما به‌عنوان یک سیاره زنده بمانیم و ادامه بدهیم، قدم بعدی یک پیشرفت تازه خواهد بود. این امید من است که چنین اتفاقی بیفتد.»

نمایشگاه اسناد

خلیج فارس افتتاح می‌شود

نمایشگاه «خلیج فارس؛ دریای دلبران» روز جمعه ۱۱ اردیبهشت در گالری فکه موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گشایش می‌یابد. این نمایشگاه با رویکردی پژوهشی، مجموعه‌ای از اسناد محرمانه، نقشه‌های تاریخی و تصاویر دیده‌نشده را برای نخستین‌بار به نمایش می‌گذارد تا بر اسالت نام و جایگاه رابهردی این پهنه آبی تأکید کند. علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌توانند تا ۲۱ اردیبهشت، هم‌روزه از ساعت ۹ تا ۱۷ از این روایت‌های مستند تاریخی بازدید کنند و با هویت ملی و اسناد معتبر بین‌المللی خلیج فارس آشنا شوند.

نمایش

«دیکته‌طور» روی صحنه ایران شهر می‌رود

نمایش «دیکته‌طور» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معروفی، از سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت، میزبان علاقه‌مندان در تماشاخانه ایران‌شهر است. این اثر نمایشی ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان روی صحنه می‌رود. در این اجرا هنرمندانی چون ایمان سلگی، مجید رحمتی، الهه زحمتی، کیمیا خلج، جواد موسوی و آهو شفیعی به ایفای نقش می‌پردازند. تیم اجرایی پروژه شامل امیرمحمد بحیرایی، مهشید رضایی، ترگس افشار، امیرحسین خالدیان و رضا خضرائی طراح نور است. طراحی صحنه توسط معروفی، لباس فرروش یاری و صدا هانیه تائبی انجام شده‌است. همچنین مصطفی خدانابنده لو طراح پوستر، سمیه میری عکاس و میترا رضایی روابط عمومی اثر هستند. معروفی در این تجربه تازه، کوشیده‌است تا با نگاهی نو به ساختارهای اجرایی، فضایی متمایز را در تئاتر پایتخت خلق کند. هماهنگی دقیق میان عناصر بصری و محتوایی، از ویژگی‌های بارز این نمایش برشمرده می‌شود. مخاطبان و دوستداران هنرهای نمایشی جهت رزرو بلیت و کسب اطلاعات بیشتری می‌توانند به سایت تخصصی تیوال مراجعه‌کنند.

جام جم

سینما **+**

CINEMA **+**

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۶

یادداشت

مهدی صالحی | فارغ‌التحصیل مدرسه نقد جام جم

«نیم‌شب»؛ موشک عمل نکرده‌ای در ساختار روایی

در حوزه سینمای دفاع‌مقدس که طبعاً ظرفیت پرداخت ژانری بزرگش و پرتنش را در خود دارد، هر اثر جدیدی با انتظار مضاعفی روبه‌روست. «نیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، با روایتی از یک حادثه واقعی در جنگ ۱۲ روزه سقوط موشک عمل نکرده در نزدیکی یک بیمارستان و تخلیه منطقه، از همان نقطه شروع، موتور یک درام مهیج روانشناختی- اجتماعی را روشن می‌کند. با این حال، فیلم در مسیر تبدیل این ماده خام غنی به یک تجربه سینمایی مؤثر، در دام ایستایی روایی می‌افتد. تحلیل این شکاف میان پتانسیل و اجرا، نه فقط نقد این اثر، بلکه واکاوی چالشی فراتر در سینمای این ژانر است.

یکی از اصول بنیادین در ساخت فیلم‌های مبتنی بر موقعیت‌های بحرانی و زمان واقعی، ایجاد ریتمی پویا و مدیریت هوشمندانه کتَش و گره‌کشایی است. نیم‌شب اما با قرار دادن تم اصلی خود بر محور اضطراب جمعی ناشی از یک موشک عمل نکرده، نتوانسته از قابلیت ذاتی این موقعیت برای خلق تعلیقی فزاینده و چندلایه بهره‌برد. برخلاف آثار موفق در این سبک که با استفاده از تکنیک‌هایی چون فشرده‌گی زمانی و اطلاعات نامتوازن، مخاطب را در چرخه‌ای از حدس‌زنی و انتظار نگه می‌دارند، ریتم این فیلم به‌سرعت به خطی بودن و یکنواختی می‌گراید.

نکته قابل تأمل، نقص در ایجاد کنش دراماتیک ثانویه است. در موقعیت تخلیه یک محله، کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی می‌توانست بستری غنی برای برخورد ارزش‌ها، ترس‌ها و شکاف‌های اجتماعی فراهم کند اما فیلم با تمرکز بیش از حد بر موقعیت مرکزی (موشک) و عدم عمق بخشی به شخصیت‌های فرعی و روابط بین آنها، دنیای داستان را به فضایی تک‌بعدی و فاقد پیچیدگی تبدیل می‌کند. تعلیق تنها در دو سه نقطه متمرکز شده که آن هم ارتباطی با موشک عمل نکرده ندارد و مهم‌ترین آن نفس‌کشیدن نوزادی تازه متولد شده است و نه خنثی‌سازی موشکی یک تنی و بقیه فیلم در حالی از سکون و انتظار غیردراماتیک سپری می‌شود. این امر ناقض اصل حرکت پیش‌برنده در فیلم‌نامه‌نویسی است، جایی که هر صحنه باید با اطلاعات جدیدی بیفزاید، یا تنش را تغییر دهد، یا به شناخت شخصیت کمک کند یا سکونی روبه‌رو هستیم که ابتدا و انتهای آن به‌راحتی قابل پیش‌بینی است.

ضعف دیگر فیلم در سطح شخصیت‌پردازی و روان‌شناختی رخ می‌نماید. در شرایط بحران شدید که غرایز بقا و لایه‌های پنهان شخصیت افراد عریان می‌شود، کاراکترهای این فیلم در حد عملکردی و نقش‌های از پیش تعیین‌شده باقی می‌مانند. احسان منصوری و دیگر بازیگران، گرچه سعی می‌کنند بازی‌های قابل قبولی ارائه دهند اما با شخصیت‌هایی مواجهند که فاقد پیشینه، انگیزه‌های متضاد درونی، یا قوس تحول مشخص هستند. آنها بیشتر واکنش‌دهنده به موقعیت خارجی هستند تا کنشگرانی که موقعیت را شکل دهند در نتیجه بازیگری آن نیز از منظر هنری و دراماتیک راه به جایی نمی‌برد.

این سطحی‌نگاری به‌ویژه در بازنمایی اضطراب جمعی به‌عنوان تم اصلی آسیب‌زننده است.

قاب



نمایشگاه اسناد و نقشه‌های " دیده‌نشده" از خلیج فارس به روایت دیگران

مستند

قاب اجتماعی جنگ بر پرده سینما

مستند «ثبت با سند برابر است» به کارگردانی نیما مهدیان که با نگاهی جامعه‌شناختی به ابعاد «جنگ رمضان» می‌پردازد، وارد مرحله تدوین شد. این پروژه که تصویربرداری آن از نخستین ساعات آغاز نبرد در نهم اسفند ۱۴۰۴

کلید خورد، طی ۴۷ جلسه در تهران و مناطقی از شمال کشور تولید شده‌است. فرشاد اکتسابی، مستندساز و تدوینگر باسابقه، مسئولیت تدوین این اثر را بر عهده دارد. مهدیان که پیش از این با مستند «راش» موفق به دریافت تندیس جشنواره سینماحقیقت شده بود، در این اثر جدید روایتی پیچیده‌تر از دلایل و پیامدهای اجتماعی جنگ ارائه می‌دهد. این مستند بخشی از مجموعه تولیدات مرکزگسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی درباره وقایع اخیر کشور است که تلاش دارد با رویکردی تحلیلی، تأثیرات بحران بر فضای جامعه و هویت ملی را به‌تصویر بکشد. هم‌زمان با پیشرفت مراحل فنی، سایر آثار این مجموعه نیز به‌زودی معرفی خواهند شد تا تصویری جامع از سینمای مستند مقاومت معاصر ایران ارائه دهد.